

هر شهید کربلایی دارد

تهرانگردی دیدار با خانواده شهیدای امر به معروف و نهی از منکر مرا یاد این جمله شهید اوینی انداخت که گفته بود: هر شهید کربلایی دارد که خاک آن کربلا تشنه خون اوست و زمان انتظار می کشد تا پای آن شهید بدان کربلا برسد. مادر شهید روح‌الله امیراحمدی تعریف می کرد روح‌الله شب شهادتش قصد سفر به جعفران را داشت ولی ظرفیت اتوبوس تکمیل شده بود و به سفر نرسید و همان شب در تهران به شهادت رسید، می توان گفت گاهی نرسیدن عین رسیدن است و ما از مختصات عالم غیب بی خبریم. در این دنیا نیز افرادی هستند که شیوه تربیت‌شان قدرت تغییر سرنوشت‌ها را دارد. مادر شهید خطاب، آرامشی عجیب دارند، او معنی معامله با خدا را به خوبی می داند که آنچه در راه خدا داده جاودانه است؛ جاودانه‌ای مثل شهید سلمان امیراحمدی که پای امنیت وطن ایستاد و آرامش هموطن را بر جان خود راجح دانست یا شهید علی خلیلی که در راه امر به معروف سلامتی‌اش را از دست داد و ته صدایی که از حنجر رنجور می آمد شده بود تمام دلخوشی مادر.

وجه اشتراک شهدایی که پای صحبت مادرانشان نشستیم خانواده بود؛ کانونی مهم که غرب نیز اهمیت آن را به شدت متوجه شده و برای همین درصد نابودی آن است. اگر خانواده وظایف خود را به درستی انجام دهد هر شخص یک انسان فهمیده‌ای می شود که در مکان و زمان مناسب بهترین تصمیم را برای خود و برای کل بشریت می گیرد. خانواده که ویران شد تمام ارزش‌ها ویران می شود آن گاه هرگز افتخار و آزاده بودن ننگ تلقی می شود.



محل شهادت: تهرانپارس

روایت تهران

باشهلاتش به دیگران زندگی بخشید

همیشه خود را خدمتگزار دین می دید. از بسیجیان پایگاه مقاومت بسیج انصارالامام شرق تهران بود. برای همین هر جا امر به معروف را ضروری می دانست این کار را انجام می داد. شهید محمد محمدی معتقد بود امر به معروف و نهی از منکر از ارکان مهم دین است و اگر انجام نشود جامعه دچار بی نظمی خواهد شد. دست آخر هر بر سر این اعتقاد جانش را فدا کرد و به شهادت رسید.

شب تلخی بود، محمدی در خیابان تهرانپارس حضور داشت بی آنکه بداند تا چند لحظه دیگر چه اتفاقی رخ می دهد. خیابان سلوغ و پرتراфик بود؛ در این حین خانمی قصد عبور از خیابان را داشت که دستش به آینه بغل خودروی پژوی در حال حرکت خورد. راننده ماشین شروع به فحاشی کرد و الفاظی به کار می بست که در شأن آن خانم نبود. با بلند شدن صدای او مردم دور ماشین را گرفتند. جنجالی بر پا شد. مرد مرتب ناسزا می گفت و زن بیچاره نمی دانست چه باید بکند. محمدی با شنیدن هیاهو خود را به جمعیت رساند و سعی کرد با ملایمت ماجرا را فیصله بدهد اما راننده جوان دست بردار نبود. یک آن، اتفاقی افتاد که هیچ کس انتظارش را نداشت. پسر موتورسواری از روی

لجاجت به هواداری از راننده پژو خود را به مهلکه رساند و در چشم برهم زدنی با چاقو به پیکر محمدی زد و بسجی جوان غرق در خون روی زمین افتاد.

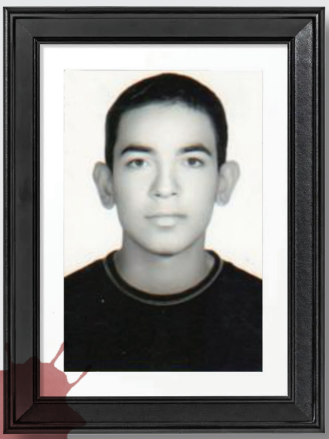
یک تصمیم جانانه

مردم و کسبه دور و اطراف به یاری محمدی آمدند و او را سریع به بیمارستان رساندند. جراحات بسجی جوان به قدری زیاد بود که توان راز تنش گرفته و بی جانش کرده بود. به رغم تلاش بی وقفه پزشکان محمدی مرگ مغزی شد. این اتفاق اگر چه قلب پدر و مادر او را جریحه دار کرد اما تصمیمی گرفتند که ماحصلش نجات چند نفر دیگر بود. خانواده محمدی رضایت دادند تا اعضای بدن او به چند بیمار دیگر اهدا شود. کاری که شاید کمتر کسی انجامش دهد. محمدی به وقت شهادت ۲۳ پسر ۹ و ۱۱ ساله داشت که الان آینه تمام‌نمای اخلاقی و رفتار پدر هستند. بعد از شهادت محمدی، تحقیقات پلیس سرعت بیشتری گرفت تا قاتل دستگیر شود. بعد از پرس و جواز شاهدان عینی خیلی سریع موفق به شناسایی او شدند. پسر موتورسوار که عامل اصلی جنایت بود به اتهام قتل عمدی بازداشت و به جرم خود اعتراف کرد.



خانواده محمدی رضایت دادند تا اعضای

بدن او به چند بیمار دیگر اهداء شود



هر وقت می دید که من می خواهم

خانه را جارو کنم، سراسیمه خودش

را می رساند تا این کار را انجام دهم

مادرانها

مقصد اول، شهرک محلاتی؛ خانهای در طبقه سوم بدون آسانسور، منزل آقای امیراحمدی است. از آن خانواده‌های ناب انقلابی که انسان را به سال‌های دهه ۶۰ می برد. پدر خانواده حسینعلی امیراحمدی زخم خورده از مناققین در دهه ۶۰ و جنگ تحمیلی که در دوران کرونا سر از ضایعات ربوی فوت کرد. نخستین پسر شهید خانواده، روح‌الله امیراحمدی، شهید امر به معروف و نهی از منکر، عضو بسیج مسجد بود که در ۲۶ اردیبهشت سال ۸۵ در جریان دفاع از خانمی توسط چند نفر با چاقو به شهادت رسید.

دومین پسر شهید سلمان امیراحمدی که کارمند تأمین اجتماعی و در بسیج مسجد محله امامزاده حسن فعال بود. او در اغتشاشات سال گذشته از خانمی که اغتشاشگران می خواستند جادر از سر او بکشند، حمایت کرد و در همان شب با تفنگ آمریکایی از پشت‌بام خانهای در محله فلاح به شهادت رسید.

اما مادر این خانواده کسی است که در تمام صحنه‌ها از اول انقلاب، فعالانه تلاش کرده تا چنین فرزندان تریب کند. این مادر بعد از این همه داغ، هنوز استوار و محکم از انقلاب دفاع می کند و می گوید: افتخار می کنم و خوشحالم که فرزندانم در راه انمه (ع)، انقلاب و رهبر شهید شدند.

دومین قرار مان محله تهرانپارس، منزل شهید آشنای امر به معروف و نهی از منکر، علی خلیلی است؛ بسجی طلبه‌ای که مربی فرهنگ نجوانان ۱۲ تا ۱۶ ساله بود. این جهادگر فعال در شب نیمه شعبان ۲۵ تیر سال ۹۰ ساعت ۱۲ شب به همراه دو تن از شاگردانش در بازگشت از مسجد به خانه بود که دیدند چند نفر به زور می خواهند ۲ دختر خانم را سوار ماشین کنند. او جلو می رود تا مانع شود اما با قمه شاهرگ گردن او را می زنند. علی توسط مردم به بیمارستانی در حوالی فلکه اول تهرانپارس منتقل می شود. پزشکان می گفتند به دلیل تخلیه خون بدن، امیدوی به زنده بودنش نیست. مادر شهید خلیلی تعریف می کند ساعت یک نصف شب به ما اطلاع دادند. وقتی رفتم و پسرم را در آن حال دیدم فقط فریاد می زدم. پزشکان گفتند باید بیمار به بیمارستان مجهزی منتقل شود. تلفنی با ۲۶ بیمارستان تماس گرفتم ولی همه جواب منفی دادند تا بیمارستان عرفان موافقت کرد و من با تمام تجهیزات آماده پذیرش هستم. به حال نا آمبولانس تخصصی بیمارستان عرفان بیاید زمان طلایی برای درمان علی از دست رفت. ساعت ۴/۵ تا ۵ بود که به بیمارستان عرفان رسید و مورد عمل جراحی ۱۱ ساعته قرار گرفت. بعد از آن باتوجه به جراحات حنجره، علی مشکلات بلع و صحبت کردن داشت که مورد چند جراحی قرار گرفت و در نهایت در ۵ فروردین ۱۳۹۳ شهید شد.

مادر چه با صفا از شهید می گفت. عشق به فرزند در لابه لای حرف‌های موج می زد. مادر در بیمارستان از امام زمان (عج) درخواست معجزه می کند. معجزه هم می شود و علی آقا تا ۲ سال و نیم بعد از جراحات زنده ماند تا مادر از فرزندش دل بکند.

محل شهادت: محله گلستان

جرمش دفاع از یک خانم بود

۱۵ سال بیشتر نداشت که شهید شد. انصافا لیاقتش را داشت و دست آخر به آرزویش رسید. او پسری بود بی همتا که در اوج جوانی افسار نفش را به دست داشت که میبدا خطایی کند یا گناهی از او سرزند که نارضایتی خود را برای خود بخرد. ابوالفضل برای پدر و مادر فرزند صالحی بود که به جرم امر به معروف و دفاع از حریم دین به شهادت رسید.

فرزند آخر خانواده بود و نور چشمی پدر و مادر. هر کس با او نشست و برخاست می کرد شیفته رفتارش می شد. آرام بود و مهربان و کمک حال مادر. ابوالفضل عاشقانه مادرش را دوست داشت و به او احترام می گذاشت. مادر خاطره‌ای از روزهای گذشته تعریف می کند: «هر وقت می دید که من می خواهم خانه را جارو کنم، سراسیمه خودش را می رساند تا این کار را انجام دهم. می گفت مادر شما این کارها را نکن، کمردرد می گیری. هر کاری داشتی به من بگو برای انجام می دهم.»

او در ادامه به خوبی‌های پسرش اشاره می کند و می گوید: «اگر بخواهم از او حرف بزنم شاید مردم فکر کنند اغراق می کنم. اما واقعا اینطور نیست. ابوالفضل حواسش به همه چیز بود و بدون اینکه من کاری از او بخواهم زودتر آن را انجام می داد. وقتی خسته از جایی به خانه برمی گشتم با چای تازه‌دم از من پذیرایی می کرد.»

پرواز کیوتو به سوی کربلا

ابوالفضل از ۱۰ سالگی در حالی که هنوز به سن تکلیف نرسیده بود، نماز می خواند و روزه‌هایش را هم می گرفت. او در بیشتر راهپیمایی‌ها شرکت می کرد و حضور فعالی هم در پایگاه بسیج داشت. «ابوالفضل» همیشه به رعایت احکام شرعی توجه داشت و سعی می کرد الگوی هم سن و سال‌های خود باشد. مرور خاطره تلخ شهادت ابوالفضل برای مادر سخت است. او بازگو می کند: «ابوالفضل در زیرزمین خانه ۳ کیوتو داشت که خیلی هم به آنها علاقه مند بود. بیست و سوم

آگهی مزایده

شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران (پنها) در نظر دارد مقدار **حدوداً ۲۰۰ تن ضایعات آهن آلات خود** را واقع در تهران شهرک گلستان (شهرک راه آهن) خیابان کوهک - خیابان هوانیروز - بعد از چهار راه کاج سایت ۲ شرکت پنها و از طریق مزایده به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط به صورت فروش قطعی واگذار نماید. متقاضیان شرکت در مزایده می توانند حداکثر تا تاریخ ۱۳/۲/۱۴۰۲، با مراجعه به درب شماره ۲ شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران واقع در نبش جنوب غربی میدان آزادی - بلوار معراج- روبروی سازمان نقشه برداری - مدیریت بازاریابی و فروش با تلفن هماهنگی: ۶۶۰۰۶۶۴ نسبت به تهیه اسناد مزایده اقدام نمایند. زمان عودت اسناد توسط متقاضیان: حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۲/۱۸ خواهد بود. زمان بازدید در تاریخ‌های ۱۴۰۲/۲/۱۱ - ۱۴۰۲/۲/۱۲ - ۱۴۰۲/۲/۱۳ از ساعت ۹ صبح تا ۱۵ عصر می باشد. پرداخت هزینه مزایده به عهده برنده مزایده خواهد بود. شرکت پنها در رد یا قبول تمامی پیشنهادات مختار می‌باشد. به قیمت‌های پیشنهادی ۹٪ مالیات برارزش افزوده اضافه می‌گردد.

آگهی مزایده

فروش ورق فولادی، براده استنلس استیل ماشین سازی اراک
Machine Sazi Arak
لوله و اتصالات کاربومیت مازاد بر نیاز
جهت کسب اطلاعات بیشتر به وبسایت شرکت ماشین‌سازی اراک به آدرس www.msa.ir مراجعه فرمایید.

آگهی فراخوان عمومی انتخاب مشاور
کد ۴۱۵
به اطلاع می‌رساند مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران درنظر دارد مجری پروژه پژوهشی **تدوین سند (برنامه اقدام) مشارکت مردمی در محلات شهر تهران مبتنی بر الگوی مطلوب** را از طریق فراخوان عمومی (شماره ۴۱۵) انتخاب نماید. علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر شرح نیازمندی‌های پروژه به نشانی الکترونیکی rpc.tehran.ir مراجعه نمایند. متقاضیان واجد شرایط شرکت در فراخوان می‌بایست حداکثر تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۷/۱۴۲ پیشنهادات فنی و مالی خود را متحصراً در قالب فرم‌های مندرج - در سایت مرکز مطالعات (بخش فراخوان‌های پژوهشی) - به دبیرخانه این مرکز تحویل داده و رسید دریافت کنند. بدیهی است هزینه انتشار این فراخوان برعهده برنده مناقصه خواهد بود.

مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

سازمان مهندسه و عمران شهر تهران در نظر دارد جهت اجرای عملیات خط کشی بزرگراه ، تهیه و نصب علائم و تجهیزات و تابلوهای اطلاعاتی ، دیوار جذب صوت ، گاردریل و پل عابر پیاده در سطح شهر تهران بصورت ۵۰درصد نقد و ۵۰ درصد غیر نقد از بین اشخاص حقوقی که دارای شرایط ذیل هستند، پیمانکار انتخاب نماید:

- حداقل شرایط لازم جهت امکان شرکت در مناقصه :**
 - دارای کد اقتصادی
 - دارای دفتر در استان تهران (طبق سند مالکیت یا قرارداد اجاره حداقل تا پایان سال ۱۴۰۲ بصورت کپی برابر با اصل)
 - دارای کارت الکترونیک معتبر حوزه معاونت فنی و عمرانی
 - دارای کار صلاحیت معتبر حداقل پایه ۴ در رشته راه و ترابری از سازمان برنامه و بودجه کل کشور
 - دارای گواهی تاییدیه صلاحیت ایمنی پیمانکاران و یا گواهینامه موقت ایمنی معتبر در زمان بازگشائی پاکات از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتبر در زمان مناقصه
 - دارای سابقه و تجربه مشابه و مورد تأیید
- لذا از کلیه شرکتهایی که دارای شرایط فوق الذکر هستند دعوت بعمل می آید در صورت تمایل به همکاری، نسبت به شرکت در این فراخوان به شرح زیر اقدام نمایند:
- ارائه نامه رسمی اعلام آمادگی متقاضی و دریافت اسناد فراخوان توسط نماینده متقاضی با ارائه معرفی‌نامه و فیش واریزی به مبلغ ۳،۵۰۰،۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۰۰۷۸۵۶۹۵۶۸۴ به شماره شبا ۱۰۰۷۸۵۶۹۵۶۸۴۰۶۱۰۰۷۸۵۶۹۵۶۸۴ نزد بانک شهر شعبه حافظ شمالی از ۲۴۹ به نام سازمان مهندسی و عمران شهر تهران به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۶۱۰۷۹۵ به منظور خرید اسناد حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از تاریخ اولین درج فراخوان در روزنامه کثیرالانتشار (درصورت واریز وجه از طریق اینترنتی می‌بایست موضوع به تأیید امور مالی این سازمان واقع در آدرس خیابان حافظ شمالی رسیده و پس از آن جهت خرید اسناد به آدرس بند سه مراجعه گردد)
- محل تحویل اسناد: خیابان آزادی خیابان اسکندری شمالی خیابان طوسی پلاک ۱۰۱ طبقه سوم امور قراردادهای شماره تماس ۰۲۱۹۶۰۲۰۵۶۵
- ارائه اسناد تکمیل شده بصورت رسمی و در پاکت در بسته و مهر و امضا شده توسط صاحبان مجاز، بر اساس تاریخ‌های درج شده در اسناد فراخوان
- کلیه مکاتبات و مراودات به آدرس تهران- خیابان حافظ شمالی- ساختمان شماره ۵۵۹ - سازمان مهندسی و عمران شهر تهران- دبیرخانه شماره فاکس ۰۲۱۸۸۹۲۳۱۲۲
- مناقصه گزار در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات اختیار کامل دارد.
- برنده مناقصه بر اساس شرایط مناقصه، ضوابط و آئین نامه های داخلی مناقصه گزار تعیین می‌شود.
- بدیهی است ابتدا اسناد و مدارک ارائه شده توسط شرکت‌ها بر اساس ضوابط و شرایط مناقصه مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تأیید آن، نسبت به بازگشایی پاکت پیشنهاد قیمت اقدام خواهد گردید. و ارائه سوایق و مدارک واصله هیچگونه حقی را بر اساس مناقضیان ایجاد نمی نماید. هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مربوطه می باشد.

سازمان مهندسه و عمران شهر تهران

۱۶۰ میلیون تومان



سقف تسهیلات

۶ ماه



دوره انتظار

۱۳ درصد



نرخ سود

X۲



مبلغ سپرده

انتخاب با شماست

در سپرده سرمایه گذاری تابش

زمان، مبلغ و نحوه دریافت تسهیلات را انتخاب کنید

بانک مسکن
bank-maskan.ir
۰۲۱-۶۱۰۸۸